**جلسه 1**

**سال 96-97**

15 / 07 / 1396 - اصول عملیه - برائت - جریان اصل برائت در شبهات موضوعیه

سخن در اصل برائت بود. از این مبحث، بحثی مهم باقی مانده و آن جریان اصل برائت در شبهات موضوعیه است. در این جلسه تنها به طرح بحث پرداخته و بررسی آن را به جلسات آینده واگذار می کنیم.

**ظاهر بحث در کفایه: شبهات موضوعیه تحریمیه**

در کفایه بحث به این عنوان مطرح نشده اما در کلام دیگران، بحث به این عنوان طرح شده است. در کفایه ذیل تنبهات برائت و در تنبیه سوم، این تعبیر وارد شده است:

أنه لا یخفی أن النهی عن شی‏ء إذا کان بمعنی طلب ترکه فی زمان أو مکان بحیث لو وجد فی ذاک الزمان أو المکان‏ و لو دفعه‏ لما امتثل أصلا کان اللازم علی المکلف إحراز أنه ترکه بالمرة و لو بالأصل فلا یجوز الإتیان بشی‏ء یشک معه فی ترکه إلا إذا کان مسبوقا به لیستصحب مع الإتیان به. نعم لو کان بمعنی طلب ترک کل فرد منه علی حدة لما وجب إلا ترک ما علم أنه فرد و حیث لم یعلم تعلق النهی إلا بما علم أنه مصداقه فأصالة البراءة فی المصادیق المشتبهة محکمة.[[1]](#footnote-1)

هر چند ایشان تنها بحث را تنها در نهی مطرح کرده و آن را بر شبهات موضوعیه تطبیق داده است، اما نکات مطرح شده در کلام ایشان، مثبت تعمیم بحث است.

ایشان در نهی دو فرض را تصویر کرده است:

1. فرض اول آن است که غرض در نهی از طبیعت، ترک طبیعت به نحو کامل است به گونه ای که فعل یک فرد در یک مکان یا زمان، موجب امتثال نیست.

2. فرض دوم آن است که نهی از طبیعت به معنای طلب ترک تک تک افراد و به نحو انحلالی، مقصود است. مثلا اگر گفته شود: «لا تکذب» باید تک تک افراد کذب ترک شود.

مرحوم آخوند بیان داشته: در قسم اول در صورت شک در فردیت فردی برای طبیعت، احتیاط لازم است. اما در قسم دوم اصل برائت جاری است. البته ممکن است در قسم اول نیز با

استصحاب عدم فرد یا عدم طبیعت، همان نتیجه برائت گرفته شود اما این به نحو عمومی نبوده و در هر حال برائت جریان ندارد.

هر چند مرحوم آخوند بحث را در شبهات موضوعیه تطبیق داده، اما روشن است این نوع طرح بحث، اختصاصی به شبهات موضوعیه ندارد. البته در کلام متأخرین این بحث تنها در شبهات موضوعیه مطرح شده است. این نکته نیازمند بررسی است که آیا این بحث، عام است یا اختصاص به شبهه موضوعیه دارد؟

نکته دیگر آن است که مرحوم آخوند بحث را در نهی بیان کرده اما در کلام دیگران این بحث در شبهات موضوعیه تحریمیه و وجوبیه طرح شده است. آیا بین شبهات تحریمیه و وجوبیه تفاوت است؟

در کتب متعدد دیگری مانند اجود التقریرات مرحوم نائینی و کلمات مرحوم آقای خویی، بحث مطرح شده که طرح بحث را از کلام مرحوم خویی بیان می کنیم.

**کلام مرحوم خویی: وجود چهار قسم در نهی**

سید خویی[[2]](#footnote-2) بیان کرده: مرحوم آخوند نهی را به دو قسم تقسیم کرده در حالی که در مسأله چهار قسم وجود دارد که گاه احکام متفاوتی با هم دارند.

1. نهی از طبیعت، گاه به نحو صرف الوجود است به این معنا که طبیعت ناقض عدم محض بوده و مبغوض، ایجاد صرف الوجود در خارج است. مثلا در «لا تتکلموا» سخن گفتن به علت منع از نوم نهی شده و صرف الوجود کلام مبغوض است و با ایجاد فرد اول و بیدار شدن شخص نائم، سایر افراد کلام مبغوضیتی ندارد.

2. گاه، مطلق وجود یا وجود ساری مبغوض است به این معنا که تک تک افراد، ملاک، مبغوضیت و حرمت مستقل داشته و بالتبع امتثال مستقلی دارد. به عبارتی دیگر در تمام مراحل حکم و امتثال، انحلال وجود دارد. مانند: «لا تکذب» که هر دروغ به نحو مستقل، ملاک و حرمت داشته و با دروغ اول، سایر افراد دروغ به حرمت خود باقی است.

3. گاه، طبیعت به نحو مجموعی مبغوض است به این معنا که تحقق تمام افراد طبیعت، مبغوض شارع است به نحوی که ترک یک فرد از افراد طبیعت، موجب اطاعت نهی است.

مرحوم آقای خویی مثالی برای این مورد نزده ولی می توان این مثال عرفی را داشت که شخصی از خوابیدن همه در اتاق نهی کرده و غرض او، وجود جایی در اتاق برای خوابیدن خویش است. در این مثال، خوابیدن همه مبغوض است و با بیداری یک شخص، غرض حاصل شده است.[[3]](#footnote-3)

4. گاه، طبیعت مبغوض نیست بلکه امر بسیطی که از طبیعت حاصل می شود، مبغوض است و ترک طبیعت برای تحقق امر بسیط است به این نحو که تحقق هر یک از افراد، مانع تحقق امر بسیط می باشد. . مرحوم نائینی این مثال را زده است: «کن لا شارب الخمر» به نحو موجبه معدوله المحمول که مطلوب شارع، لا شارب الخمر بودن است. البته این صورت، مثال های روشن تر دیگری دارد که در جلسه آینده مطرح خواهیم کرد. از سویی دیگر، این مثال نیز مورد مناقشه است.

تفاوت این مورد با مورد دوم آن است که در آن فرض، مطلوب ترک تمام افراد بوده و در این فرض، مطلوب امر بسیط معلول از افراد ترک است. از نظر احکام نیز بین این دو قسم تفاوت وجود دارد. مرحوم خویی همین تفاوت را موجب آن دانسته که در این فرض، اصاله الاشتغال جاری شود اما در فرض دوم اصل برائت جاری باشد. زیرا در این فرض، با فعل یکی از افراد، شک در ایجاد امر بسیط معلول این طبیعت شده و در حقیقت، شک در محصّل است و شک در محصّل، مجرای اصل اشتغال است اما سایر صور، مجرای برائت هستند.

روشن است صورتی که طبیعت به نحو طبیعت ساری و تکالیف متعدد باشد، برائت جاری است و شک در آنکه عمل، مثلا مصداق توهین است یا نه؟ موجب جریان برائت است. مگر آنکه اصل منجّزی وجود داشته باشد که بر برائت مقدم شود. مثلا حفظ آبروی مؤمن در موارد مشکوک نیز لازم باشد. اما در سایر صورت های مسأله بحث وجود داشته و باید بررسی کرد آیا برائت جاری است یا این صورت ها مجرای احتیاط هستند؟

**کلام مرحوم حائری: اشتغال در صرف الوجود و مجموع الوجود**

مرحوم حائری در درر[[4]](#footnote-4)، هر دو صورت صرف الوجود و مجموع الوجود[[5]](#footnote-5) را مجرای اشتغال دانسته و هر دو را به شک در محصّل بازگشت داده است.

 مرحوم اراکی[[6]](#footnote-6) در اصول الفقه[[7]](#footnote-7) با نقل کلام مرحوم حائری در مجرای اشتغال بودن صرف الوجود، از میرزا محمد تقی شیرازی، و سید محمد فشارکی نقل می کند که قائل به برائت بوده اند.[[8]](#footnote-8)

مرحوم نائینی در بحث نماز در لباس مشکوک، مفصل تر از مصباح الاصول مرحوم خویی، بحث را مطرح کرده و صورت های دیگری را نیز بیان نموده و هم شبهات تحریمیه و شبهات وجوبیه را بیان کرده و در برخی از فروض بین شبهه تحریمیه و شبهه وجوبیه قائل به فرض است.

 شهید صدر[[9]](#footnote-9) نیز بحث را حول محور کلام مرحوم نائینی در لباس مشکوک قرار داده اما به نحو دیگری کلام ایشان را تقریر کرده و بیان نموده: جوهر کلام مرحوم نائینی اینگونه است. اما همانگونه که سید حائری در حاشیه بیان داشته، کلام تقریر شده در بیان شهید صدر، با کلام مرحوم نائینی متفاوت است و روشن نیست چرا شهید صدر، بحث مرحوم نائینی را تغییر داده است؟

**مراحل بحث**

بحث مطرح شده مراحلی دارد که باید این مراحل را بررسی نمود.

1. تقسیم بندی های مطرح شده، تقسیم بندی های عامی بوده و اختصاص به شبهه موضوعیه ندارد و هر چهار قسم مطرح در کلام مرحوم خویی در شبهه حکمیه نیز تصویر دارد. اما در کلام اکثر اصولی ها ذیل بحث از شبهه موضوعیه طرح شده است. آیا این بحث عام بوده یا اختصاص به شبهه موضوعیه دارد؟

2. بحث دیگر آن است آیا احکام این چهار قسم با هم متفاوت است؟ و آیا کلام مرحوم خویی صحیح است یا کلام مرحوم حاج شیخ؟

3. بحث سوم آنکه، آیا این چهار قسم مختص به شبهات تحریمیه است یا در شبهات وجوبیه نیز جریان دارد؟

**و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد**

1. كفاية الأصول ( طبع آل البيت ) ؛ ص353 [↑](#footnote-ref-1)
2. مصباح الأصول ( طبع موسسة إحياء آثار السيد الخوئي )، ج‏1، ص: 374 - 375 [↑](#footnote-ref-2)
3. می توان مثال عرفی دیگری را نیز داشت. در پادگان ها و مناطق جنگی، به هنگام شب، بیدار بودن یک نفر به عنوان نگهبان امری ضروری است. در این موارد نهی از خوابیدن همه بدین معناست که حتما یکی از سربازان به عنوان کشیک شب، بیدار بوده و مشغول نگهبانی باشد تا با هجوم دشمن، غافلگیر نشوند. (مقرر) [↑](#footnote-ref-3)
4. دررالفوائد ( طبع جديد )، ص: 452 [↑](#footnote-ref-4)
5. استاد در جلسه درس، مطلق الوجود تعبیر کرده اند اما در کلام مرحوم حائری، مجموع الوجود وجود داشته و اساسا ایشان بحث را به سه صورت تقسیم کرده است: احدها: ان تتعلق بها باعتبار صرف الوجود اعنى المقابل للعدم المطلق.

و الثاني: ان تتعلق بها باعتبار الوجودات الخاصة.

و الثالث: ان تتعلق بها باعتبار مجموع الوجودات من حيث المجموع (مقرر) [↑](#footnote-ref-5)
6. در درر حاشیه ای به نام مرحوم اراکی چاپ شده اما لحن آن به گونه ای که گویا حاشیه نیز مانند متن، متعلق به خود مرحوم اراکی نبوده و تقریر ایشان از کلام مرحوم حاج شیخ است. مثلا در یکی از حاشیه ها بیان شده ما بین قسم دوم و سوم تفاوت گذاشتیم و وجه این تفاوت این است.... روشن است این لحن بیشتر با تبیین و توضیح کلام سازگار بوده و به نظر می آید این حاشیه تقریر مرحوم اراکی از درس مرحوم حاج شیخ باشد. این احتمال در تقریرات درس مرحوم اراکی که به نام اصول الفقه، چاپ شده، جدی است و به نظر می اید این کتاب نیز تقریرات درس مرحوم حاج شیخ باشد هر چند تصریح به این مطلب نشده است. [↑](#footnote-ref-6)
7. أصول الفقه، ج‏2، ص: 83 – 89 [↑](#footnote-ref-7)
8. همان؛ ص: 85 و لكن نقل الاستاد دام ظلّه عن استاديه المرحوم السيّد محمّد و الميرزا محمّد تقى الشيرازي أعلى اللّه مقام الأوّل و أطال عمر الثاني الإصرار على أنّ النواهي المتعلّقة بالعناوين بهذا النحو ليست منجّزة للتكليف في الأفراد المشكوكة، بل حكم العقل في تلك الأفراد هو البراءة، [↑](#footnote-ref-8)
9. مباحث الأصول، ج‏3، ص: 557 - 587 [↑](#footnote-ref-9)